



گزارش «ایران» از اختلاف قیمت خرما در استان‌های مختلف در ماه مبارک رمضان
خرما در یوشهر ۲۰ هزار تومان در تهران ۱۷۰ هزار تومان

همه ساله با شروع ماه مبارک رمضان مصرف برخی اقلام خوراکی خاص این ماه افزایش می‌یابد و با بالا رفتن تقاضا برای آنها قیمت این اقلام نیز بالا می‌رود. خرما یکی از این اقلام است که معمولاً در ماه مبارک رمضان به اندازه ۴۰ درصد مصرف سالانه آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما امسال افزایش قیمت خرما بیشتر از سال‌های گذشته بوده و مردم مجبورند آن را گران‌تر از سال‌های قبل تهیه کنند.

«البرز» میزبان آیت‌الله رئیسی در نوزدهمین سفر استانی
رئیس جمهور در «ایران کوچک»

استاندار البرز گفت: آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور همراه با جمعی از اعضای هیأت دولت امروز پنجشنبه هجدهم فروردین‌ماه به البرز سفر می‌کند. به گزارش استاندار البرز مجتبی‌عبداللهی افزود: بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته ورود رئیس‌جمهور به البرز، در قالب نوزدهمین سفر استانی، مصادف با پنجم ماه مبارک رمضان خواهد بود. عبداللهی اضافه کرد: برگزاری نشست شورای اداری استان و ...

اگر مشتری تاریخ و فرهنگ مستقیم‌سری به بازار تبریز بریزید

از فیروزه اسلام تا نگین حسن پادشاه



عکس‌ها: آرش حقیقی/ایران

بازار تبریز راوی تاریخ

حدود ۲۴۲ سال پیش، پس از نیمه‌شب روز آخر ماه ذی‌الحجه سال ۱۱۹۳ قمری، حدود ساعت ۲ بامداد روز اول محرم سال ۱۱۹۴ قمری، برابر با ۲ بامداد روز شنبه، ۱۸ دی‌ماه سال ۱۱۵۸ خورشیدی و روز ۸ ژانویه سال ۱۷۸۰ میلادی یکی از بزرگ‌ترین زلزله‌های



وحید بهمن تاریخ پژوه

تاریخ تبریز به وقوع پیوست. براساس منابع تاریخی پس‌لرزه‌های شدید این زلزله تا چند ماه و گاه و بیگاه، تبریز و شهرها و روستاهای اطراف را لرزاند. در این زمین‌لرزه شدید تقریباً تمام خانه‌ها، مساجد، کاخ‌ها، مغازه‌ها، حمام‌ها، کاروانسراها، بازارها، دروازه‌ها و برج و باروهای قلعه تبریز آسیب جدی دیدند و بجز بخشی از مسجد کبود و ارگ علیشاه و مسجد استاد و شاگرد که هنوز هم بازمانده آنها در تبریز نمایان است، دیگر هیچ بنیاد کهنی که مقدار آن هم کم نبوده است، برپا نمانده و شهری بدان بزرگی و آبادانی به تلی خاک تبدیل شد. در این زلزله بزرگ چند هزار نفر از مردم تبریز جان خود را از دست دادند.

در کتاب «ریاض‌الجنة» اثر محمدحسن بن عبدالرسول فانی زنوزی، در این باره آمده است: «... یکی زلزله تبریز بود که شب شنبه سلخ ذی‌حجه‌الحرام سنه ۱۱۹۳ تا مه هجری تخمیناً دو ساعت از شب مزبور گذشته، اتفاق افتاد. به مرتبه‌ای انهدام به شهر و نواحی روی داد که مصدوقه و جعلها غالبها سافلها گردید. همه ابنیه عالیه و آثار مستحکمه قدیمه از مدارس، مقابر، معابد، عمارات و ریاضات بالمره خراب گردید؛ از آن جمله شنب‌غازان، مسجد صاحب‌الامر، مسجد جهانشاه، مسجد جامع، مدرسه سیدحمزه، مدرسه صادقیه و طالبیه بود که نانی‌انثین یکی از آنها را در کل روی زمین، چشم دوربین روزگار ندیده بود، همگی انهدام یافته. بی‌اغراق دیواری به بلندی یک و چوب نماند و تخمیناً دوازده فرسخ از اطراف به تبعیت شهر انهدام یافت و تا حال این قسم زلزله در این شهر اتفاق نیفتاده بود و از ثقات آن بلاد مسموع شد که در شهر و نواحی از اطفال، نسا و رجال از غریب و بومی دویست هزار نفر تخمین شد که بدارالقرار در آن قضیه فرار نمودند و اکثر خان‌ها مسدود شد و در همان شب تا صبح تخمیناً چهل مرتبه چنان زلزله شد که هرگاه عمارت و آبادی می‌بود، در هر دفعه اول بیشتر خرابی می‌شد.

میرزا حسن طباطبایی تبریزی (منشی اسرار) در سفرنامه «تبصره‌المسافرین» درباره این زمین‌لرزه می‌نویسد: «... چند مرتبه زلزله شدید در شهر تبریز اتفاق افتاده که صدمه کلی و خسارت مالی و جانی به اهل شهر رسیده. از این زلزله اخیره به شهر تبریز خرابی کلی روی داده، قریب به چهل هزار نفر از نفوس محترمه تلف شدند. لیله شنبه سلخ شهر ذی‌حجه‌الحرام سنه ۱۱۹۳ (هجری قمری) دو ساعت از شب رفته بوده است که ابنیه رفیع و آثار عالیه خراب و منهدم شده‌اند. عمارات شنب‌غازان، مسجد معروف صاحب‌الامر علیه‌السلام، مسجد جامع طولانی، مدرسه سیدحمزه، مدرسه صادقیه و طالبیه، طاق خواجه تاج‌الدین علیشاه، قلعه، مسجد و مدرسه رشیدی، مسجد جامع جهانشاه و... نجفقلی‌خان پس از دفن مردگان و بیرون آوردن دارایی‌ها از زیر خاک، خانواده خود را روانه خوی کرد و در بهار سال بعد برای حفاظت تبریز شروع به ساختن برج و باروی این شهر نمود. این بار و همچنین دوازده دروازه داشت.»

نجفقلی‌خان ذنبلی حاکم وقت تبریز بلافاصله پس از وقوع زلزله یادشده شروع به ساخت و آبادانی شهر تبریز کرد و قلعه، برج و بارو و دروازه‌های تاریخی تبریز را دوباره احیا کرد و بر سردر هر دروازه کتیبه‌ای به یادگار گذاشت. از میان دروازه‌های تاریخی تبریز امروز فقط یک دروازه برجای مانده، یعنی دروازه تاریخی «خیابان» که امروزه در بخشی از بازار تاریخی تبریز قرار دارد.

به هنگام ورود به راسته رنگچی بازار (رهنلی بازار) تبریز از سمت خیابان ارتش شمالی و در میانه این راسته تاریخی، دروازه تاریخی «خیابان» با در چوبی بزرگ و استوار خود و نیز نقش برجسته‌های سنگی دو درخت سرو و دو شیر که به درختان سرو رنجبر شده‌اند در دو سمت دروازه، خودنمایی می‌کند. همچنین کتیبه اصلی سردر این دروازه که به زبان پارسی است، به خوبی حفظ شده و همچنان بر سر جای خود است.

رونویسی و خوانش متن کتیبه پارسی سردر دروازه تاریخی «خیابان» تبریز در راسته رنگچی بازار تبریز: چون گشت از گردش چرخ جفا کیش اساس قلعه تبریز بر باد * خدیو * معدلت آیین نجف خان که داد و عدل داد اندر جهان داد بنای قلعه را بنهاد از نو * مثلش کس ندارد در جهان یاد سکندروار سدی بست محکم که باشد * حصنی از یاجوج * حسد بتاریخش رقم زد * کلک * نسبت ز نو سد سکند گشته آباد / ۱۱۹۴ هجری قمری * خدیو: خداوند، پادشاه، بزرگ قوم * معدلت: دادگری، دادگستری * حصن: قلعه، دژ، جای محکم و استوار * حسد: حسودان * کلک: نی، قلم‌نی * نسبت: تخلص حاج ملا هادی همدان آری بازار تبریز، بویژه بازاربان راسته رنگچی تبریز حافظ تنها دروازه تاریخی تبریز هستند.

در سرای حاج علی اکبر تابلوفرش‌هایی می‌بینی که هوش از سر آدمی می‌برد؛ از خیابان‌های لندن و پاریس گرفته تا مینیا توره‌های صقوی و بناهای قجری و خط نقاشی‌های نفیس و چشم‌نواز از آیات قرآن و اشعار فارسی. در تیمچه مظفریه هم فرش‌های گران و اعلا می‌فروشند اما معماری چنان زیباست که نگاهم به هیچ فرشی نمی‌افتد. در بازار تبریز می‌توانی بی‌آنکه به کالایی نگاه کنی و قیمت بپرسی، ساعت‌ها محو در و دیوار شوی



تأثیرگذار بوده‌اند. گشت و گذار در بازار بزرگ تبریز از مسجد کبود که به فیروزه اسلام شهرت دارد تا میدان حسن پادشاه آق قویونلو یا مجموعه صاحب‌الامر و تماشای ۲۵ تیمچه و ۲۰ دالان و ۲۰ راسته و ۲۹ مسجد و... به این سادگی‌ها نیست. رنجبر یکی از کارشناسان خانه خراز می‌گوید: روز اول که اینجا استخدام شدم، آنقدر راه رفتم که پاهایم تاول زد.

ساعت ۱۰ صبح است و پیاده‌روی ما تا حدود سه بعدازظهر ادامه می‌یابد و شرح دقیق آنچه می‌بینم خود نوشته دیگری می‌خواهد. از مسجد جامع یکسره به سمت راسته شعرباقان می‌رویم. هنری که دیگری به اغلب راسته‌ها و تیمچه‌ها در بازار تبریز، تنها نامی از آنها مانده و نسل‌های بعد به فراخور زمانه تغییر کاربری داده‌اند. چنانچه در راسته عطارا یا آن طور که تبریزیان می‌گویند «عطارا بازار» اغلب مغازه‌ها خراب شده و تیمچه شعرباقان و بازار قندفروشان و دالان عیاجی‌ها، فرش فروشی، در سرای حاج علی اکبر تابلوفرش‌هایی می‌بینی که هوش از سر آدمی می‌برد؛ از خیابان‌های لندن و پاریس گرفته تا مینیا توره‌های صقوی و بناهای قجری و خط نقاشی‌های نفیس و چشم‌نواز از آیات قرآن و اشعار فارسی. در تیمچه مظفریه هم فرش‌های گران و اعلا می‌فروشند اما معماری چنان زیباست که نگاهم به هیچ فرشی

شهرهای دیگر یا حتی خود صاحب‌حجره. این نشان می‌دهد خیلی‌ها در بازار زندگی می‌کردند. خانه‌های تجار داخل بافت بازار بوده و زندگی شهری با زندگی تجاری عجین بوده و مسجد و مدرسه و کاروانسرا هم داخل بافت بوده و اگر تاجر از شهر دیگری به بازار می‌آمده و حتی مدتی طولانی می‌مانده، نیاز نداشته از آن بیرون برود. بازار تبریز پنج حمام داشته، این یعنی بازار فقط جای کسب و کار نبوده، محل زندگی بوده و همین طور خود یک محله محسوب می‌شده. در این میان نقش خیریه‌ها و خدمات آنها برای مردم شهر و از طرف دیگر حمایت‌هایی که خود بازاربانان از هم می‌کنند در دنیا یازاند است که می‌توانیم به آن فرهنگ محله بازار بگوییم.»

فرد ریچاردز عضو انجمن سلطنتی حکاکان و نقاشان انگلیس در سال‌های ۱۳۰۰ چند بازار ایران از جمله تهران، تبریز، یزد، که دیوار به دیوار مدرسه رشدیه است با تندیس‌ی از خود رشدیه پای تخته سیاه؛ مؤسس نخستین مدارس امروزی کشور در تبریز و بعدها تهران، خانه امیرنظام گروسی که موزه قاجار است، خانه کوزه‌کنانی یا موزه مشروطه، خانه کربلایی علی موسیو و...

دکتر حسین اسماعیلی سنگری مدیر مجموعه جهانی بازار تاریخی تبریز را در زیرزمین خانه کوچه مشکینی ملاقات می‌کنم. شاید همان جایی نشسته باشد که ۱۶۰ سال پیش، کوچه مشکینی کنار پیچ و تاب دیوارهای اندرونی و کرشمه آجرهای سرخ به کار خانه و بازار می‌پرداخته. می‌گوید: «قدمت بازار تبریز حداقل به هزار سال پیش برمی‌گردد و سند ادعای ما هم آثار مکشوفه‌ای مثل پایه‌های مسجد جامع و پایه‌های چهارمناره است که در متون مختلف هم به آنها اشاره شده. مثلاً ناصر خسرو از مسجد آدینه یا مسجد جمعه در کنار بازار تبریز نام برده است. اما آنچه که از بازار تبریز به صورت کالبد امروزی مشاهده می‌کنیم، مربوط به بازسازی پس از زلزله ۱۱۹۳ هجری قمری است که اواخر زندیه و اوایل قاجار اتفاق افتاده. متأسفانه تبریز تقریباً هر سه قرن یکبار با خاک یکسان شده و طبق متون تاریخی، شهر هر ۲۵۰ سال یکبار بازسازی شده است. برای همین بیشتر آثار این کهن تمدن ایرانی در حال حاضر موجود نیست.» اسماعیلی معتقد است بازارهای ایران بویژه بازار تبریز به‌عنوان یک مجموعه کامل و شاخص در میان بازارهای ایرانی، نوعی آرمانشهر اسلامی ایرانی است که در آن زندگی در جریان است: «اگر دقت کنید اغلب مغازه‌های بازار تبریز سه طبقه هستند؛ زیرزمین برای انبار کالا، همکف، حجره فروش و طبقه بالا برای بیوتته بازارگانان

دلنشین و زیبا و آرامبخش که نمی‌خواهی بیرون بروی.

اگر تصور شما از بازار تبریز، یک راسته بازار بزرگ و عریض مملو از فرش و تابلو فرش، در کنار کفش‌های دست‌دوز و لباس‌های رنگ‌به‌رنگ و طلا و آئینه و شمعدان است، باید بگوییم تصویری ناقص و نارسا از این پهنه عظیم شهری در ذهن‌تان است. بازار تبریز که در سال ۱۳۸۹ به ثبت جهانی رسیده، در واقع یکی از محله‌های بزرگ این شهر با ۱۶۰ تیمچه و سرا و دالان و راسته و مسجد و حمام و کاروانسرا و حوزه علمیه و مدرسه و خانه تاریخی است که با مشارکت خود بازاربانان مرمت شده و دقیقاً با همین عنوان یعنی «مشارکت در ترمیم پاتر اسلامی» موفق به دریافت جایزه بین‌المللی آقاخان در کشور معماری نیز شهرت دارد.

این را هم در نظر بگیرید که این‌پهنه وسیع شهری تنها یک کالبد تاریخی بی‌جان نیست و مرادوات فرهنگی و آیین و آداب و میراث معنوی خاص خودش را دارد؛ از دسته‌عزاداری «شاه حسین واحسین» و بازاربان گرفته تا خیریه و عزا و عروسی که روی هم می‌شود گفت فورانی از تاریخ و فرهنگ و هنر که توصیفش خارج از توانایی هر گزارش‌نویسی است. اینجا کلون و کوبه هر در، مناره هر مسجد، نام هر راسته و نقش هر قالی، داستانی دارد شنیدنی.

در مسجد و حوزه علمیه حاج صفرعلی، مناره نصفه نیمه‌ای را نشانم می‌دهند و می‌گویند، صفرعلی به مناره که رسید پولش تمام شد و همان‌طور نصفه ماند و بعد از او هم به احترامش کسی کار را تمام نکرد. چشم می‌چرخانم لا به لای نمازگزاران، بازاری سستی پیداکنم و بی‌رسم صفرعلی را می‌شناخته‌ای نه که حاج یعقوب رستمی تکه کاغذی چسبیده به آجر بالای سرم را نشان می‌دهد و می‌گوید از این هم فیلم بگیر «در شب هجدهم جمادی الاول سنه ۱۲۸۸ تا اینجا پر از آب بود.» خب معلوم می‌شود چنین پرستنی خطا خواهد بود.

حاج یعقوب که نماز ظهر و عصرش را خوانده و می‌خواهد به مغازه‌اش برگردد، پیش از رفتن تکه پوست آهویی را روی دیوار رویه و نشانم می‌دهد که آیاتی از قرآن به خط خوش بر آن نقش بسته است. می‌گویم این نوشته از کی اینجاست؟ می‌گوید از همان زمان قاجار که مرحوم حاج صفرعلی اینجا را ساخته: «آن طرف را نگاه کنید! درست مثل قبر شش گوشه آقا امام حسین (ع) است.» سقف و دیوار و کنبه و مناره یکسره آجرآجری است با درهای چوبی قهوه‌ای و همان کوبه‌ها و کلون‌های خاطره‌انگیز؛ چنان